



The Frequency of Psychological Pressure on Children and Teenagers Violating Criminal Laws

Narges Izadi^{1*}, Mahmoud Abbasi², Majid Ghourchibeigi³, Gholam Hossein Elham⁴

1. Department of Law, Kharazmi University, Tehran, Iran; Department of Law, Imam Sadiq University (AS), Sisters Campus, Tehran, Iran.

2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Department of Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Department of Criminal Justice and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Psychological pressure in committing criminal acts and in punitive reactions towards delinquent children and teenagers, who themselves are silent victims of unstable living conditions, poses a significant challenge that requires deep reflection and urgency in addressing it, given the current social situation. This matter needs a novel interdisciplinary study, which this article aims to do, to achieve equal and vast judicial justice.

Method: This article employs a descriptive-analytical approach and gathers data through library research, relying on the opinions of relevant experts and scholars. The results are presented in the form of diagrams. Therefore, this research has been conducted using a combined method, incorporating both quantitative and qualitative (Likert scale) research foundations.

Ethical Considerations: Throughout the process of writing this research, ethical considerations of library research, including authenticity, text integrity, honesty, and trustworthiness, have been observed.

Results: One of the most significant findings of this study is presenting the "fundamental role of psychological pressure factors in most delinquent actions of children and teenagers, who violate criminal laws". This was achieved through a systematic analysis of the factors that contribute to psychological pressure, the analysis of reactions, and the explanation of coping strategies using qualitative research. According to 82% of legal experts and specialists, "psychological pressure on children and teenagers has a more significant impact on their involvement in criminal activities than their bad upbringing".

Conclusion: The need to consider the extensive dimensions of psychological pressure on children and teenagers, who violate criminal laws, in the commission of criminal acts, demands the adoption of preventive measures that are appropriate to the current time and place in Iran's criminal policy. Furthermore, the aspect of psychological pressure in certain legal punitive reactions towards children and teenagers, who violate criminal laws, and the inadequacy of their correction and upbringing within the framework of Islamic educational principles and international documents, in some cases show a significant distance between the current situation and the desired state.

Keywords: Psychological Pressure; Criminal Policy; Children and Teenagers; Prevention; Punitive Reactions

Corresponding Author: Narges Izadi; **Email:** nargesizadi@khu.ac.ir

Received: September 24, 2022; **Accepted:** December 26, 2022; **Published Online:** March 07, 2024

Please cite this article as:

Izadi N, Abbasi M, Ghourchibeigi M, Elham GH-H. The Frequency of Psychological Pressure on Children and Teenagers Violating Criminal Laws. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e65.



مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

بسامد فشار روانی بر کودکان و نوجوانان ناقض قوانین جزایی

نرگس ایزدی^{۱*}، محمود عباسی^۲، مجید قورچی بیگی^۳، غلامحسین الهام^۴

۱. گروه حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ گروه حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خوارزمی، تهران، ایران.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: فشار روانی در ارتکاب اعمال مجرمانه و نیز در واکنش‌های جزایی نسبت به کودکان و نوجوانان بزه‌کار که خود قربانیان خاموش شرایط و زندگی نابسامانند، چالشی است قابل ملاحظه که به اقتضای وضعیت اجتماعی ملتهب کنونی، پرداختن به آن، تأملی ژرف و ضرورتی مضاعف را می‌طلبد. این مهم، مستلزم پژوهشی بدیع و میان رشته‌ای است که مقاله حاضر، با توجه به مقتضیات زمان و مکان و تفاوت‌های فردی - اجتماعی کودکان و نوجوانان بزه‌کار، با هدف وصول به عدالت قضایی یکسان و فراگیر به آن پرداخته است.

روش: مقاله حاضر، علاوه بر استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای، از نظرات دکترین و متخصصین مربوطه نیز بهره برده و نتایج آن در قالب نمودار ارائه نموده است، لذا این پژوهش، با روش ترکیبی و کاربست مبانی کمی و کیفی پژوهش (طیف لیکرت) صورت گرفته است. **ملاحظات اخلاقی:** در روند تألیف این پژوهش، بر ملاحظات اخلاقی پژوهش کتابخانه‌ای از جمله اصالت متون، صداقت و امانتداری اهتمام ورزیده شده است.

یافته‌ها: از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، ارائه مؤلفه «نقش اساسی عوامل فشار روانی در اغلب اقدامات بزه‌کارانه کودکان و نوجوانان ناقض قوانین جزایی» است که در پی طرح کارشناسانه عوامل ایجاد فشار روانی، تحلیل واکنش‌ها و تبیین راهکارهای مدارا، با کاربرد پژوهش کیفی، تحصیل گردید. همچنین بر اساس نظر (۸۲ درصد) دکترین حقوقی و متخصصین مربوطه، «فشار روانی کودکان و نوجوانان، مؤثرتر از تربیت نادرست آن‌ها در ارتکاب اعمال مجرمانه می‌باشد».

نتیجه‌گیری: لزوم لحاظ ابعاد گسترده فشار روانی کودکان و نوجوانان ناقض قوانین جزایی در ارتکاب اعمال مجرمانه، اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه متناسب با مقتضیات زمان و مکان، را در سیاست جنایی ج.ا.ا می‌طلبد. همچنین جنبه فشار روانی برخی واکنش‌های جزایی قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی و عدم کفایت جنبه اصلاح و تربیت آن‌ها، با سنجه مبانی اسلامی - تربیتی و اسناد بین‌المللی، در مواردی نشانگر فاصله معنادار وضعیت موجود با وضعیت مطلوب است.

واژگان کلیدی: فشار روانی؛ سیاست جنایی؛ کودکان و نوجوانان؛ پیشگیری؛ واکنش جزایی

نویسنده مسئول: نرگس ایزدی؛ پست الکترونیک: nargesizadi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Izadi N, Abbasi M, Ghourchibeigi M, Elham GH-H. The Frequency of Psychological Pressure on Children and Teenagers Violating Criminal Laws. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e65.

مقدمه

کدگذاری، تحصیل، استخراج، جمع‌بندی، تحلیل و در قالب سه نمودار در مقاله حاضر، ارائه و مورد استناد قرار گرفته است.

یافته‌ها

اگرچه وجود عنصر بازدارندگی توأم با آرامش روانی در تمامی واکنش‌های جزایی تعیین‌شده نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی، ضروری و مبنایی است، اما جنبه بازدارندگی توأم با آرامش روانی تمامی واکنش‌های جزایی قانونی نسبت به آنان یکسان نیست. همچنین جنبه اصلاح و تربیت آن‌ها نیز متفاوت است.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، ارائه دو مؤلفه «نقش اساسی عوامل فشار روانی در اغلب اقدامات بزه‌کارانه کودکان و نوجوانان ناقض قوانین جزایی» و مؤلفه «اثرگذاری بیشتر فشار روانی کودکان و نوجوانان، نسبت به تربیت نادرست آن‌ها در ارتکاب اعمال مجرمانه» می‌باشد که در پی طرح کارشناسانه عوامل ایجاد فشار روانی، تحلیل واکنش‌ها و تبیین راهکارهای مدارا، با کاربرد پژوهش کیفی، تحصیل گردید.

بحث

۱. مبانی و مفاهیم

۱-۱. فشار روانی: به طور کلی فشار روانی وقتی ایجاد می‌شود که افراد با وقایعی رو به رو می‌شوند که آن‌ها را تهدیدکننده سلامت روانی یا جسمی خودشان می‌یابند (۱). تعاریف مختلفی از فشار روانی ارائه شده است، برخی آن را به عنوان پاسخ زیست شیمیایی بدن در یک موقعیت تهدیدآمیز می‌دانند (۲) و برخی دیگر استرس (فشار روانی) را ناشی از نیاز افراد به ایجاد توازن در مقابل تغییرات می‌دانند (۳).

۱-۲. پیشینه فشار روانی در سیاست جنایی: در نگاهی اجمالی به دوره‌های مختلف حقوقی، درمی‌یابیم که تا پیدایش مکتب تحقیقی جوامع بشری به منظور مقابله با جرم، صرفاً از سلاح «کیفر» استفاده می‌کرده‌اند، اما با کثرت مرادوات و ارتباطات، افزایش نرخ بزه‌کاری و ناکارآمدی تدابیر واکنشی کیفری از یکسو و ظهور و بروز دیدگاه‌های جدید حقوقی

واکوی سیاست جنایی ج.ا.ایران در مسأله فشار روانی بر کودکان و نوجوانان معارض قانون، از جهت تأثیر در ارتکاب اقدامات بزه‌کارانه و نیز از جهت اعمال برخی واکنش‌های جزایی نسبت به آنان، معضلی است قابل تأمل و فاقد پیشینه پژوهشی که جامعه پرالتهاب کنونی را با چالش جدی مواجهه ساخته است. نقش مؤثر نوجوانان معارض قانون، در اغتشاشات اخیر مؤید این مسأله بوده و ضرورت طرح و بررسی مسأله مورد بحث را مضاعف می‌نماید. بنابراین بررسی مسأله بدیع و کاربردی بسامد فشار روانی نسبت به کودکان و نوجوانان معارض قانون، در ارتکاب اقدامات بزه‌کارانه و اعمال واکنش‌های جزایی نسبت به آنان، نیازمند تبیین جایگاه این مسأله در سیستم قضایی است.

از طرفی این امر، با عنایت به اینکه فشار روانی، به دلیل اثرات زیانبار فردی - اجتماعی، تهدیدی علیه سلامت افراد و آرامش و سلامت جامعه است، رویکردی مبتنی بر اصلاح و درمان را می‌طلبد. در این راستا مقاله حاضر بر اساس پژوهشی میان رشته‌ای در دو مقوله روان‌شناسی و حقوق، در محدوده و حیطة موضوع مورد بحث، به طرح و نقد مباحث تخصصی این مسأله پرداخته و به نتایج مستدل ارزشمندی دست یافته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

فرایند تألیف این پژوهش، با کاربست توأمان روش تحلیلی - توصیفی و روش کیفی پژوهش صورت گرفته است، لذا علاوه بر استفاده از منابع بنیادی کتابخانه‌ای، نظرات ارزشمند بیست و چهار نفر از اساتید صاحب‌نظر حقوقی، قضات محترم رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، مسئولین و کارشناسان کانون‌های اصلاح و تربیت تهران و کرمان،

- سیاست کیفری و ابزارهای آن جنبه رسمی داشته، لذا صرفاً توسط قوای عمومی حاکمیت (دادگاه، پلیس، زندان و...) اعمال می‌گردند.

- هدف تدابیر و اقدامات سیاست کیفری، صرفاً مبارزه با جرم یعنی فعل یا ترک فعلی است که قبلاً در قانون تعریف شده است، لذا به دیگر رفتارهای زشت اجتماعی - اخلاقی به دلیل نداشتن ضمانت اجرای کیفری نمی‌پردازد.

- از جهت اجرایی، تنها بر پیشگیری کیفری اصرار ورزیده می‌شود (۸).

۱-۳-۲. **سیاست جنایی:** اگرچه اصطلاح سیاست جنایی، نخستین بار توسط فوترباخ آلمانی در کتاب حقوق کیفری او قرن ۱۹ مطرح گردید (۱۰). از دیدگاه وی سیاست جنایی شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد، اما در واقع با تبادل و تأثیر و تأثر علوم بر یکدیگر به ویژه علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و جرم‌شناسی و پیدایش دیدگاه‌های نوین که برخلاف گذشته در واکنش به جرم و مجرم غیر از مجازات و کیفر به تدابیر و اقدامات پیشگیرانه اجتماعی توجه می‌کرد، به تدریج سیاست جنایی از مفهوم سنتی و مضیق به مفهوم مدرن و موسع توسعه یافت، البته تحول معنایی سیاست جنایی در معنای موسع نیز، تحولات قابل ملاحظه‌ای در طرح سیاست جنایی و به خصوص نظریه سیستم‌های دلماس مارتی (Delmas-Marty) داشته است (۹). بر اساس نظریه سیستم‌ها، سیستم‌های اجتماعی از افراد و تعامل بین آن‌ها تشکیل نمی‌شود، بلکه سیستم‌ها عبارتند از ارتباطات و انتساب آن‌ها به اشخاص به مثابه عمل یا کنش توسط خود سیستم‌های اجتماعی (۱۱). از دیدگاه نظریه سیستم‌ها، مدل دولت سیاست جنایی، در مدل‌های دولتی که شامل مدل دولت - جامعه لیبرال، مدل دولت اقتدارگر (مارکسیسم - لنینیم) و مدل اقتدارگرای فراگیر می‌باشد و نیز مدل‌های جامعه، ظهور و بروز می‌یابد (۹). بنابراین سیاست جنایی پیش از آنکه یک علم باشد، فنی است که هدف آن کشف منطقی و عقلانی بهترین طرق ممکن جهت حل مسائل مختلفی است

منبعث از مکتب تحقیقی در خصوص مقابله با جرم که بر سیاست غیر کیفری و تدابیر کنشی استوار بود از سوی دیگر موجب شد تا هم ارزش‌های کیفری یا جانشین‌های کیفری وارد عرصه جرم‌شناسی گردد (۴).

بنابراین با گسترش مفهومی سیاست جنایی از سیاست کیفری (مفهوم مضیق) به سیاست جنایی به معنای امروزی (مفهوم موسع)، بر مقوله پیشگیری از جرم و اقدامات پیشگیرانه، علاوه بر پیشگیری کیفری از طریق مجازات، تأکید گردید (۵) و حتی در اولویت راهکاری تقلیل بزه‌کاری و جلوگیری از تکرار اعمال مجرمانه قرار گرفت (۶) و نهایت اینکه مطالعات عصر حاضر بیانگر این است که رفتار مجرمانه طی فرآیندی شکل می‌گیرد که مقابله و ریشه‌کن‌نمودن آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق می‌باشد (۷).

۱-۳-۳. **سیاست جنایی - سیاست کیفری:** به منظور تبیین سیاست جنایی، لازم است که ابتدا سیاست کیفری و مؤلفه‌های آن مطرح گردد.

۱-۳-۱. **سیاست کیفری:** سیاست به طور کلی عام و مطلق به درک جنایی، اداره مسائل و تدبیر جامعه اطلاق می‌گردد، حال با عنایت به اهمیت اشتراک، تمایز و ارتباط سیاست کیفری و سیاست جنایی، لازم است که به تفکیک و اختصار به هر یک از آن‌ها پرداخته شود. تحقق پیشگیری از جرم در سیاست کیفری، صرفاً به سرکوبگری و اجرای کیفر مبتنی است، به عبارتی روشن‌تر، پیشگیری کیفری مورد توجه قرار گرفته و تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری، جایی ندارند (۸). در واقع سیاست کیفری که فوترباخ (Futter Bach) آلمانی از نخستین ابداع‌کنندگان آن است، مفهوم مضیق سیاست جنایی است (۹)، بنابراین سیاست کیفری مبتنی بر جرم، مجازات و قانون می‌باشد. مؤلفه‌های سیاست کیفری عبارتند از:

- تدابیر و اقدامات سیاست کیفری، عمدتاً قهرآمیز و تنبیهی می‌باشد که از طریق نظام کیفری به منظور مقابله با مجرمان تعیین گردیده و به اجرا درمی‌آید.

غرض انحصاری آن، تحدید حدود امکان پیشامد اعمال جنایی از راه غیر ممکن ساختن یا دشوار وقوع آن است. بر این اساس پیشگیری از جرم سه معیار و ملاک دارد:

معیار نخست اینکه باید بر یکی از عوامل ارتکاب جرم تأثیرگذار بوده و آن را تحت الشعاع قرار دهد؛ معیار دوم، پیشگیری از جرم فردی نبوده و باید جنبه جمعی داشته باشد؛ معیار سوم، اقدام پیشگیرانه باید غیر کیفری و غیر قهرآمیز باشد (۱۹).

۱-۴-۲. مفهوم موسع پیشگیری از جرم: پیشگیری از جرم در مفهوم موسع، مجموعه تدابیر فردی و جمعی است که برای خنثی کردن عوامل وقوع جرائم توسط مجرمین در آینده، اعمال می‌شوند (۱۵). بنابراین کیفر و رسالت‌های آن، جایگزین‌های مجازات سالب آزادی، کیفرزدایی، اصطلاح و بازپروری بزه‌کاری در چارچوب مفهوم موسع قرار می‌گیرند (۲۰).

۲. وقایع پرفشار و دکترین حقوقی نسبت به اثرگذاری

آن‌ها در اقدامات بزه‌کارانه ناقضین قوانین جزائی

۱-۲. عوامل فشار روانی: تعیین و تشخیص عوامل فشار روانی نسبی است، بدین معنا که میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر افراد مختلف، متفاوت بوده و به یک نسبت بر همه افراد تأثیر نمی‌گذارد، چه بسا امری نسبت به یک نفر، فشار روانی محسوب شده و نسبت به دیگری چنین نباشد و یا حد تأثیرگذاری آن عامل، متفاوت باشد. در عین حال، برخی وقایع فشار تلقی می‌شوند که ملاک تشخیص آن‌ها نوعی است، بدین معنا که نسبت به اغلب اشخاص لحاظ می‌گردند و از دید اکثریت افراد جامعه، «پرفشار» تلقی می‌شوند.

۲-۲. وقایع پرفشار: مشخصه‌های وقایع پرفشار عبارتند از:

۱-۲-۲. کنترل‌پذیری: هرچه عوامل فشار روانی، کنترل‌ناپذیرتر باشند، بیشتر موجب فشار روانی می‌شوند.

وقایع غیر قابل کنترل نیز دارای درجات و شدت متفاوتی هستند که از این جهت، در دو دسته اصلی و فرعی، قابل طرح و بررسی‌اند. وقایع غیر قابل کنترل اصلی عبارتند از: مرگ

که پدیده‌های مجرمانه را پدید می‌آورد (۱۲). در واقع سیاست جنایی به معنای موسع نهادهای جامعه‌ی (غیر ولتی) را در کنار دولت (به عنوان هسته مرکزی)، جهت پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه، از طریق شیوه‌های خاص رسیدگی هر پاسخ، شامل می‌شود که هدف آن، مبارزه سنجیده اعم از پیشگیری و سرکوبگری است (۱۳). بنابراین سیاست جنایی پیش از آنکه یک علم باشد، فنی است که هدف آن کشف منطقی و عقلانی بهترین طرق ممکن جهت حل مسائل مختلفی است که پدیده‌های مجرمانه را پدید می‌آورد (۱۲). در واقع سیاست جنایی به معنای موسع نهادهای جامعه‌ی (غیر دولتی) را در کنار دولت (به عنوان هسته مرکزی)، جهت پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه، از طریق شیوه‌های خاص رسیدگی هر پاسخ، شامل می‌شود که هدف آن، مبارزه سنجیده اعم از پیشگیری و سرکوبگری است (۱۴).

۱-۴-۴. پیشگیری از جرم: در سیاست جنایی، پیشگیری از جرم در دو مفهوم مضیق و موسع به کار می‌رود:

۱-۴-۱. مفهوم مضیق پیشگیرانه از جرم: در این مفهوم، پیشگیری غیر کیفری از وقوع جرائم، از راه غیر ممکن ساختن یا دشوار نمودن ارتکاب جرم، از آن پیشگیری می‌نماید (۱۵). پیشگیری جرم در مفهوم مضیق، مجموعه تمهیدات و راهکارهایی است که دولت به منظور مهار بهتر جرم، از دو طریق ذیل اعمال می‌کند:

۱- حذف نمودن یا محدود کردن عوامل جرم‌زا؛ ۲- اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی، اجتماعی و... نکته قابل ملاحظه در این مفهوم این است که پیشگیری از تکرار جرم، هدف نیست (۱۶)، بلکه پیشگیری از جرم در معنای مضیق، شامل هرگونه تدابیر غیر کیفری با هدف مقابله با علل جرم‌زاست، به گونه‌ای که بتوان با بهره‌گیری از سازوکارهای مسالمت‌آمیز وضعیت و شخصیت افراد، از رخدادن پدیده مجرمانه جلوگیری نمود (۱۷). به عبارتی دیگر پیشگیری از جرم، پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و ابداع اقداماتی در جهت حذف یا کاهش آن است (۱۸)، پس مراد از پیشگیری، هرگونه فعالیت سیاست جنایی است که

سنگینی شده‌اند، بسیاری از آن‌ها در معرض طیف وسیعی از تجربیات نامطلوب قرار گرفته‌اند، به طوری که تقریباً سه چهارم آنان، به طور معمول در معرض خشونت خانوادگی متوسط تا شدید بوده و حداقل ۵۰ درصد آن‌ها، یک عضو از اعضای خانواده با نگرانی‌های بهداشت روانی، از جمله بستری شدن در بیمارستان روان پزشکی یا روان پریشی داشته‌اند. همچنین حداقل ۲۰ درصد از این دسته از کودکان، والدین خود را از دست داده‌اند (۲۱).

صاحب‌نظران مربوطه و دکترین حقوقی نسبت به اینکه عوامل فشار روانی، به ویژه عوامل پرفشار، در اغلب اقدامات بزه‌کارانه کودکان و نوجوانان، نقش اساسی دارد، چنین ابراز نظر فرموده‌اند:

۸ درصد: «کاملاً مخالف»

۱۳ درصد: «مخالف»

۸ درصد: «ممتنع»

۳۸ درصد «موافق»

۳۳ درصد «کاملاً موافق»

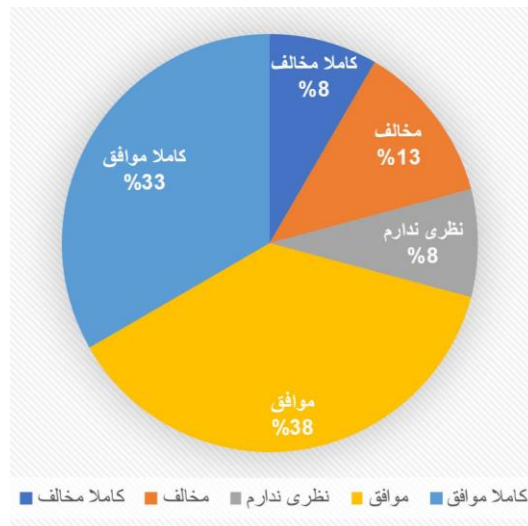
بنابراین اکثریت صاحب‌نظران ۷۱ درصد معتقدند که «عوامل فشار روانی در اغلب اقدامات بزه‌کارانه کودکان و نوجوانان، نقش اساسی دارد.» در این خصوص، ۲۱ درصد آنان مخالف با این مسأله بوده و ۸ درصد آن‌ها اظهار نظر خاصی نکرده و قائل به بررسی بیشتر مسأله می‌باشند (نمودار ۱).

محبوب، از دست‌دادن شغل و بیماری شدید و دیگر وقایعی که نوعاً پرفشار تلقی می‌گردند، فرعی محسوب می‌شوند (۱).

۲-۲-۲. پیش‌بینی‌پذیری: در صورتی که وقوع یک واقعه پرفشار و قابل پیش‌بینی باشد، حتی اگر نتوان آن را کنترل کرد، صرف قابلیت پیش‌بینی آن واقعه، موجب خواهد شد که از فشار روانی آن، کاسته شود. برخی مشاغل سرشار از وقایع غیر قابل پیش‌بینی بوده و بدین جهت بسیار پرفشار محسوب می‌شوند. بنابراین وقایع و اتفاقات، به هر میزانی که غیر قابل پیش‌بینی تر باشند، به همان میزان، بیشتر موجب فشار روانی می‌گردند (۱).

۲-۲-۳. به چالش گرفتن محدودیت‌ها: میزانی که قابلیت‌ها را به چالش می‌کشد نیز از مشخصه‌های وقایع پرفشار محسوب می‌گردد، بدین معنا که از پاره‌ای از رویدادها ممکن است علیرغم اینکه به میزان زیادی قابل کنترل و قابل پیش‌بینی باشند، اما باز هم پرفشار تلقی شوند، زیرا مستلزم به کارگیری بیشترین قابلیت‌های افراد می‌باشند، روان‌شناسان به منظور احتساب و اندازه‌گیری اثر تغییرات زندگی، مقیاس رویدادهای زندگی را تدوین کرده‌اند که «مقیاس درجه‌بندی سازگاری اجتماعی مجدد هولمز و راهه (Holmez & Rahe)» نیز نامیده می‌شود و فشار روانی را برحسب تغییرات زندگی اندازه‌گیری می‌گیرند (۱).

۲-۳. دکترین حقوقی نسبت به اثر گذاری فشار روانی: بر اساس داده‌های پرونده کودکانی که مرتکب اقدامات خشونت‌آمیز



نمودار ۱: نقش عوامل فشار روانی در اغلب اقدامات بزه‌کارانه کودکان و نوجوانان ناقض قوانین جزایی

و هیچ‌گونه احساس مسئولیتی ندارند و بدون احساس گناه یا شرم یا اضطراب و بدون کمترین احساس ناراحتی، هرچه می‌خواهند انجام دهند (۲۳).

۳. اقدامات پیشگیرانه و دکترین حقوقی نسبت به بسامد فشار روانی با سنجه تربیت صحیح: سیاست‌ها و راهکارهای پیشگیری اجتماعی که بر پایه علل و عوامل بنیادی وقوع جرم استوار شده است، با ایجاد تغییرات و اصلاحات رفتاری افراد و جامعه، از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه متناسب با فرهنگ و نظام اجتماعی، به مقابله با عوامل ایجاد جرم می‌پردازد. در حقیقت پیشگیری از جرم، علت ارتکاب جرم را در لایه‌ها و ساختار اجتماعی جستجو می‌کند، لذا اقدام و راهکاری است که نیازمند مشارکت فعال اعضای جامعه در ممانعت از وقوع رفتارهای مجرمانه می‌باشد. در این راستا لازم است که تقویت نیروی بازدارنده درونی، ارتقای خصلت‌های نیک انسانی، از رهگذر رفع آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و با ایجاد زمینه‌های مناسب اجتماعی و جامعه‌پذیری، محقق گردد (۲۴).

۳-۱. اقدامات پیشگیرانه: به طور کلی پیشگیری غیر کیفری شامل پیشگیری وضعی و اجتماعی است (۱۵). از باب مقدمه لازم به ذکر است که در تقسیم‌بندی کلی، پیشگیری از جرم به دو مقوله کیفری و غیر کیفری تقسیم می‌شود که

۴-۲. اختلالات شخصیتی مؤثر در ارتکاب جرم: در اینجا مناسب است استناداً به اختلالات شخصیتی که می‌توانند زمینه‌ساز جرائم شوند نیز به اختصار اشاره گردد.

ویژگی بارز اختلال شخصیت سایکوپات (سوسیوپات)، عدم رعایت موازین اجتماعی و اخلاقی است که کاملاً مرتبط با ارتکاب جرم و هنجارشکنی می‌باشد. این نوع اختلال شخصیت شامل اختلال ضد اجتماعی و اختلال غیر اجتماعی می‌باشد.

۴-۲-۱. اختلال ضد اجتماعی: شکستن قوانین و مقررات اجتماعی صرفاً به دلیل تمایلات شخصی، رفتارهای ناگهانی و آنی، لذت‌طلبانه، توأم با گرایش شدید خودمداری و خودخواهی، عدم وفاداری و تعهد اخلاقی.

۴-۲-۲. اختلال غیر اجتماعی: نقض و عدم رعایت مقررات و موازین جامعه در اشخاصی که در محیط‌های ناسالم پرورش یافته‌اند. ویژگی بارز این دسته از افراد این است که صرفاً به افراد، مؤسسات و گروه‌های خاص مانند تبهکاران وفادار می‌مانند (۲۲).

اما یک وسعه از نامتعدادلان روانی بسیار خطرناک «پسیکو پات‌ها» هستند که در زمره مبتلایان به اختلال منش قرار داشته و افرادی لابلالی و بی‌قیدی هستند. به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، سست شدن مبادی مذهبی و اخلاقی موجب ازدیاد پسیکو پات‌ها می‌باشد که به اصول اخلاقی پایبند نبوده

اجتماعی نسبت به تحقق جرم، کیفیت مقابله و مصونیت‌سازی افراد نسبت به آن است. در این راستا، راهکارهای متعددی حائز اهمیت است، از جمله ارتقای سطح فرهنگ جامعه، فقرزدایی و اشتغال، بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی، برنامه‌ریزی جهت اوقات فراغت جامعه، اصلاح قوانین و... (۱۳)، ۳۰، ۳۲). بنابراین پیشگیری اجتماعی با تدابیر و اقدامات کنشی (غیر کیفری) به دنبال شخصیت‌سازی و جامعه‌پذیری افراد است (۴) که این امر موجب کاهش فشار روانی و خشکاندن ریشه بزه‌کاری می‌شود، البته قائلین به نظریه پیشگیری اجتماعی، راهکار واحدی در طریق وصول به اهداف خود نداشته و بدین‌جهت به دو نوع «جامعه‌مدار» و «رشدمدار» تقسیم می‌شود.

۱-۲-۱-۳. **پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار:** پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار یا محیطی، پیشینه و قدمت زیادی دارد که به دنبال ایجاد محیط اجتماعی سالم و عاری از جرم است (۱۷)، لذا این نوع پیشگیری شامل کلیه اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بازدارنده‌ای است که نسبت به محیط‌های زندگی افراد، اعمال می‌شود (۱۳).

۲-۲-۱-۳. **پیشگیری اجتماعی رشدمدار:** این نوع پیشگیری از جرم، گروه هدف معنایی داشته و طیف خاصی را پوشش می‌دهد. پیشگیری اجتماعی رشدمدار یا زود هنگام، در صدر است که با تدابیر و اقدامات مناسب و کاربست به موقع اقدامات حمایتی از پایداری رفتارها و گرایش‌های مجرمانه در کودکان و نوجوانان ناسازگار و آن‌ها که دچار کج‌روی و بزه‌کاری زودرس شده‌اند، جلوگیری کند، لذا تأکید اصلی پیشگیری رشدمدار بر انحراف، کج‌روی و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل مثبت محیطی و مداخله زودرس در آستانه اختلال‌های احتمالی، از عوامل خطری که کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کند، ممانعت گردد (۳۳-۳۴).

پیشگیری اجتماعی رشدمدار بر دو رکن اساسی استوار است:
۱- مداخله زودرس نسبت به کودکان و نوجوانان، خانواده و مدرسه. به عبارت روشن‌تر، در این پیشگیری رشدمدار، علاوه

منظور از پیشگیری کیفری، مداخله نهادهای نظام عدالت کیفری پس از ارتکاب جرم به جهت کاهش تکرار جرم است و منظور از پیشگیری غیر کیفری، مداخله نهادهای غیر کیفری در مرحله قبل از ارتکاب جرم می‌باشد (معنای خاص) (۱۷).

۱-۱-۳. **پیشگیری موقعیت‌مدار (وضعی):** در پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت قبل از ارتکاب جرم بزه‌کار می‌باشد، با فرآیند گذار از اندیشه به عمل مواجه بوده و هدف تغییر وضعیت ارتکاب جرم و اتخاذ اقداماتی است که فرآیند گذار از اندیشه به عمل را قطع کند (۲۰). به عبارتی پیشگیری وضعی، با تغییر وضعیت فرد و یا تغییر شرایط زمان و مکان محیط بیرونی، درصدد است که از ارتکاب جرم، جلوگیری نماید (۲۵).

در حقیقت هدف آن، تعالی جامعه و نهادهای آن نیست، بلکه به طور ساده و به روش خاص بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد (۲۶)، لذا پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) قصد دارد از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه‌زدایی از وضعیت قبل از ارتکاب جرم، آمار جرائم را تقلیل و مهار نماید (۲۷).

۲-۱-۳. **پیشگیری اجتماعی:** در پیشگیری اجتماعی تلاش بر آن است که با تأثیرگذاری بر روی ابعاد چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه از تحقق پدیده مجرمانه جلوگیری شود (۲۸). پیشگیری اجتماعی تنها شیوه‌ای است که مستقیماً علل و عوامل جرم‌زا و ریشه‌های بزه‌کاری و بزه‌دیدگی را هدف گرفته و معتقد به برخورد ریشه‌ای و عمیق با این علل و عوامل می‌باشد که در این راستا هر کدام از بخش‌های جامعه به نحوی در به ثمر رسیدن این نوع پیشگیری سهیم می‌شوند (۲۶).

این پیشگیری تلاش می‌کند تا با تقویت ابزارهای درونی و شخصیت اجتماعی افراد از وقوع جرم در جامعه بکاهد (۲۹).

پیشگیری اجتماعی در واقع از یکسو فرد و خانواده و از سوی دیگر به جامعه و محیط اجتماعی توجه دارد. هدف اصلی پیشگیری اجتماعی، تغییر سبک زندگی، نگرش و رفتار

فشار روانی آن‌ها در ارتکاب اعمال مجرمانه می‌باشد، چنین ابراز نظر فرموده‌اند:

۲۹ درصد: «کاملاً مخالف»

۳۳ درصد: «مخالف»

۰ درصد: «ممتنع»

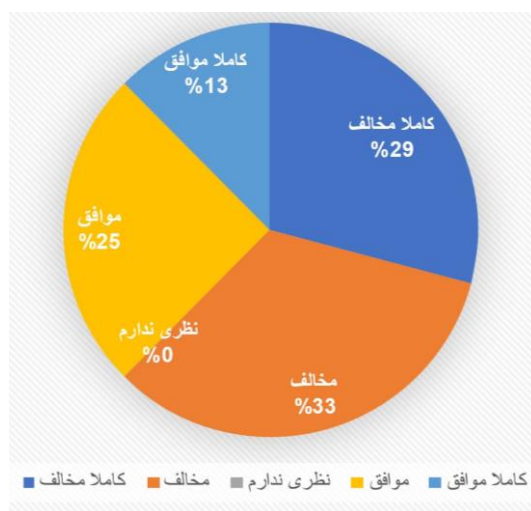
۲۵ درصد: «موافق»

۱۳ درصد: «کاملاً موافقم»

بنابراین ۸۲ درصد صاحب‌نظران که اکثریت قابل ملاحظه‌ای می‌باشند، برخلاف ۳۸ درصد مخالف، معتقدند که «فشار روانی کودکان و نوجوانان، مؤثرتر از تربیت نادرست آن‌ها در ارتکاب اعمال مجرمانه می‌باشد» (نمودار ۲).

بر شخص، محیط اجتماعی وی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ۲- تقویت و ریشه قدرت شناخت و تمیز کودکان و نوجوانان. پیشگیری رشدمدار جنبه فنی و تربیتی داشته، اختلالات رفتاری و روانی طفل را مورد هدف قرار می‌دهد، لذا آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها، یکی از ملاکات اصلی‌ای است که لحاظ می‌گردد (۱۲). بنابراین پیشگیری اجتماعی رشدمدار، نیازمند تربیت متخصصان، مربیان، جرم‌شناسان و روان‌شناسان است که بتوانند از عهده اجرای درست برنامه‌های آن برآیند (۳۵).

۲-۳. **دکترین حقوقی نسبت به بسامد فشار روانی با سنجه تربیت صحیح:** صاحب‌نظران مربوطه و دکترین حقوقی نسبت به اینکه تربیت نادرست کودکان و نوجوانان، مؤثرتر از



نمودار ۲: تأثیر بیشتر فشار روانی بر ارتکاب جرائم کودکان و نوجوانان، نسبت به تربیت نادرست

ارتکاب جرائم را پدید آورد، لازم است که به هر یک از آن‌ها، در حیطه مشترک روان‌شناسی و سیاست جنایی پرداخته شود: ۴-۱-۱. **اضطراب:** متداول‌ترین واکنش نسبت به یک عامل فشار روانی، اضطراب است که همان هیجان ناخوشایندی است که گاه از آن به «نگرانی»، «تشویق»، «تنش و ترس» یاد می‌شود (۱). افراد مضطرب فاقد اعتماد به نفس بوده و به سادگی به بحث و مشاجره می‌پردازند (۳). این اشخاص گاه برای کاهش اضطراب خویش دست به اعمال مختل از جمله

۴. واکنش به فشار روانی و مهارت‌های کنارآمدن با آن در اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی

۴-۱. واکنش به فشار روانی: وضعیت‌های پرفشار، واکنش‌های متفاوتی داشته و پاسخ‌های مختلفی را در افراد ایجاد می‌کند. رایج‌ترین واکنش‌های روانی نسبت به فشار روانی، اضطراب، خشم و پرخاشگری، بی‌احساسی و افسردگی‌اند که با توجه به اینکه هر یک از آن‌ها می‌تواند در شرایطی خاص، زمینه

متعددی وجود دارد، از جمله تفاوت قائل شدن بین پرخاشگری غریزی و عاطفی (۳۸) و طبقه‌بندی‌های مختلف پرخاشگری به حسب کیفیت، ماهیت و اهمیت آن‌ها (۲۳) و نهایت اینکه پرخاشجویی همچون دیگر پدیده‌های مربوط به جرم‌شناسی دارای طبعی «بیو - پسیکو - سوسیال» است، بدین معنا که عوامل (زیستی - روانی - اجتماعی) در آن مؤثر می‌باشد (۲۳).

۱-۳. بی‌احساسی و افسردگی: همان‌گونه که عوامل فشار روانی در افراد مختلف می‌باشد، واکنش افراد به فشار روانی نیز متفاوت است، لذا اگرچه پرخاشگری پاسخ متداولی به فشار روانی است، اما پاسخ متضاد آنکه «کناره‌گیری و بی‌احساسی» است نیز به وفور یافت می‌شود و در این راستا چنانچه شرایط پرفشار استمرار داشته و فرد در مدارا با آن‌ها موفق نشود، بی‌احساسی می‌تواند به «افسردگی» تبدیل شود. نظریه درماندگی آموخته‌شده نیز در همین راستا مطرح می‌شود که وضعیت اشخاصی چون زنان مورد خشونت از سوی همسرانشان که هیچ تلاشی در جهت تغییر یا رهایی از آن موقعیت نمی‌کنند را به خوبی تبیین می‌کند (۱).

۲-۴. مهارت‌های کنار آمدن با فشار روانی (مدارا) در اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی: مطالعه گسترده صورت گرفته در رفتار انسان از نظر علمی و عملی و در زمینه ایمنی‌شناسی روانی - عصبی، موجب تغییر نگرش و شناخت روان‌شناسان نسبت به تأثیر حالت‌های روانی حتی بر بیماری‌های جسمانی افراد شده است (۳۹). دستاورد جدید علم عصب‌شناسی، نشانگر چگونگی ساختار و عملکرد مغز، توسط رفتار و تحت تأثیر قرار گرفتن آن است (۴۰). مقابله و کنترل فشار روانی، ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر و نیازمند آموزش و برنامه‌ریزی. به تعبیر الکسیس کارل (Alexis Carrel)، آنان که نمی‌دانند چگونه با نگرانی مقابله کنند، در جوانی می‌میرند (۴۱)، در خصوص آموزش کنترل فشار روانی لازم است که تفاوت‌های فرهنگی، در تعیین مکانیزم‌های مقابله‌ای انطباقی مورد توجه قرار گیرد (۴۲).

از آنجا که هیجان‌ها و برانگیختگی ایجادشده بر اثر موقعیت‌های پرفشار بسیار آزاردهنده و مخرب است، در بهترین شکل

نقض قوانین کیفری می‌پردازند (۲۳). با بررسی بسیاری از جرایم نوجوانان درمی‌یابیم که اضطراب یکی از عوامل عمده و اساسی است که زمینه ارتکاب جرم را پدید آورده است و اینجاست که نقش خانواده به عنوان تأثیرگذارترین نهاد تربیت مطرح می‌گردد و نقش والدین در این رابطه به منزله پایه و اساس ایجاد محیطی آرام و آسایش‌بخش یا محیطی جرم‌خیز و سرشار از اختلالات رفتاری و اضطرابی است. شناخت، ریشه‌یابی و درمان اختلالات اضطرابی به خصوص در کودکان و نوجوانان، مانع مشکلات جدی‌تر از جمله وقوع جرایم متعدد می‌باشد. امروزه اختلالات اضطرابی گوناگون از جمله اضطراب جدایی، آسیمیگی، فوبی، وسواس و... مشکلات جدی به بار آورده و زمینه‌ساز بسیاری از جرائم به خصوص در قشر آسیب‌پذیر کودک و نوجوان می‌گردند، روی آوردن به مواد مخدر و نیز سوءمصرف مواد مخدر گوناگون، تا حد زیادی ناشی از اضطراب بوده و نیز خود، می‌تواند باعث حالات اضطرابی شود (۳۶).

۱-۲. خشم و پرخاشگری: از منظر روان‌شناسی، پرخاشجویی به فردی اطلاق می‌شود که گرایش به ستیزه‌جویی، حمله و مبارزه دارد و از لحاظ رفتاری برخلاف کسی است که از خطر و مشکلات می‌گریزد (۲۳). یکی از واکنش‌های رایج به وضعیت پرفشار «خشم» است که در موارد عدیده‌ای به پرخاشگری منجر می‌شود، اغلب کودکان و نوجوانان در مواجهه با «سرخوردگی»، خشمگین و عصبی می‌شوند و رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. فرضیه سرخوردگی - پرخاشگری اذعان می‌دارد که هرگاه تلاش‌های شخصی در وصول به هدفی با مانع مواجهه شود، سائق پرخاشگری ایجاد می‌شود، اذا شخص سرخورده در جهت صدمه‌زدن به شیء یا به شخصی عامل سرخوردگی برمی‌آید. در همین خصوص گفته شده که عنف شکل نهایی پرخاش است. به تعبیر برخی روان‌شناسان، رفتار پرخاشگرانه می‌تواند به صورت آسیب‌های جسمانی، کلمات اهانت‌آمیز و... بروز کند و آثار آن به طیفی که از رنجش تا مرگ گسترده است، پوشش دهد (۳۷)، البته در این مسأله، مطالب مرتبط قابل طرح

۴-۲-۳. سازوکارهای دفاعی در حکم مدارای هیجان مدار:

لازم به ذکر است که مهارت‌های مدارا که از مباحث نوین مطرح شده در روان‌شناسی می‌باشند، با سازوکارهای دفاعی که قدرت بیشتری داشته و تاریخچه مفصلی در متون روانکاوی (به خصوص نظریات فروید (Freud)) دارد، مهم‌ترین و بارزترین نظرات آن‌ها در این است که سازوکارهای دفاعی، ریشه در ناخودآگاه اشخاص داشته، در حالی که مهارت‌های مدارا غالباً خودآگاهانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایج‌ترین راهبردهای سازوکار دفاعی که می‌توانند زمینه ارتکاب جرم را پدید آورند، شامل واپس‌زنی، دلیل‌تراشی، وانمودسازی، برون‌فکنی، انکار و جا به جایی می‌باشند (۱).

۵. فشار روانی در واکنش‌های جزائی نسبت به اطفال و نوجوانان

در نگاهی عام و کلی به اطفال و نوجوانان بزه‌کار در سراسر جهان، می‌توان گفت که آنان کم و بیش، در معرض احکام تنبیهی‌ای هستند که برای بزرگسالان طراحی شده است (۴۳). این امر، می‌تواند موجب فشار روانی آن‌ها گردد.

در جهت به دست آوردن فشار روانی در واکنش‌های جزائی نسبت به اطفال و نوجوانان بزه‌کار و به منظور بهره‌وری بیشتر از نتایج پژوهش حاضر و پرهیز از مباحث تئوری محض، نقش آرامش روانی (عدم فشار روانی) در سیاست جنایی اتخاذی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان بزه‌کار، مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، علیرغم صعوبت فراوان، نظرات ۲۴ نفر از اندیشمندان، صاحب‌نظران حقوقی و متخصصین مربوطه اعم از اساتید، قضات عالی‌رتبه، مسئولین و کارشناسان کانون‌های اصلاح و تربیت تهران و کرمان، محور قرار گرفته و طی فرایند تحصیل، استخراج و تحلیل داده‌ها، بررسی و نتایج باارزشی به دست آمد. یافته‌های کیفی این مسأله حاکی از سه رویکرد متفاوت ذیل، نسبت به عدم فشار روانی در سیاست جنایی اتخاذی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان بزه‌کار است:

رویکرد نخست، اعتقاد به توجه قانونگذار به مؤلفه فشار روانی و وجود آرامش روانی واکنش‌های قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان (کد ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۳۹).

منطقی برخورد با آن، اشخاص سعی می‌کنند به طریقی آن را کاهش دهند. از دیدگاه روان‌شناسان به فرآیندی که از طریق آن، شخص تلاش می‌کند فشارهای روانی را مدیریت و تدبیر کند، «مدارا» اطلاق می‌شود که به سه صورت: ۱- «مدارای شکل‌مدار»؛ ۲- «مدارای هیجان‌مدار»؛ ۳- «سازوکارهای دفاعی در حکم مدارای هیجان‌مدار» تحقق می‌یابند.

۴-۲-۱. مدارای مشکل‌مدار: در این نوع برخورد با فشار روانی و مشکل پیش‌آمده، راهکارهای حل مسأله، شامل تعریف و تبیین مشکل، خلق راه‌حل‌های متفاوت، بررسی، سنجش و انتخاب راه‌حل‌های حل مسأله بر مبنای هزینه و منفعت و سودمندی آن‌ها و کاربست راه‌حل انتخاب‌شده، می‌باشد. قابل ذکر است که راهبردهای مشکل‌گشایی، قابلیت انعطاف به سمت درون را نیز دارد، لذا ممکن است شخصی به جای تغییر محیط، به تغییر چیزی مثلاً افزایش سطح امید، یادگیری مهارت‌های جدید در درون خود، یافتن منابع مختلف و نوین کسب رضایت و خشنودی، در درون خود بپردازد (۱).

۴-۲-۲. مدارای هیجان‌مدار: در حقیقت استفاده اشخاص از مدارای مدارا با هدف جلوگیری از غرق‌شدن در هیجانات منفی و بازماندن از انجام اقدامات لازم در جهت حل مشکل خویش صورت می‌گیرد، به علاوه هنگامی که مشکل غیر قابل کنترلی پیش آید، مدارای هیجان‌مدار مورد استفاده قرار می‌گیرد. راهبردهای مدارا با هیجانات منفی به دو صورت رفتاری و شناختی مطرح می‌شوند.

نخست، راهبردهای رفتاری: نحوه مدارا با هیجانات منفی پیش‌آمده، این راهبرد، شامل اقدامات و عملیات بدنی است که به منظور منحرف کردن ذهن از مشکل صورت می‌گیرد، مانند استفاده از مواد مخدر، آزاد کردن خشم، طلب حمایت عاطفی از دوستان و... دوم، راهبردهای شناختی: نحوه مدارا با هیجانات منفی پیش‌آمده، در این راهبرد، شامل کاستن از خطر به وسیله تغییر دادن معنای وضعیت و حذف و کنار گذاشتن افکار و ذهنیات مربوط به مشکل به طور موقت می‌باشد، لذا راهبردهای شناختی، غالباً مستلزم و مبتنی بر ارزیابی مجدد وضعیت‌ها می‌باشند (۱).

به ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، آن را نیازمند بازنگری، اصلاح و بهینه‌سازی می‌دانند (کد ۱۵۸، ۱۴۴، ۱۳۲) و برخی دیگر، با پذیرشی متوسط از وضعیت موجود، معتقد به ارزیابی دقیق این مسأله‌اند (کد ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸). در این خصوص، برخی صاحب‌نظران، لزوم مطالعه و بررسی سیستم‌های دیگر و بومی‌سازی نتایج را، در جهت وصول و تحقق قوانینی بهتر و کارآمد، مطرح می‌کنند (کد ۱۱۹ و ۱۲۷). آنچه مسلم است اغلب افرادی که موافق یا نسبتاً موافق قانون اصلاح‌شده جدید هستند، اجرای آن را نیازمند ضمانت اجرا از طریق سازوکار مناسب و جامع، ارزیابی مداوم و اصلاح مستمر می‌دانند. از منظر این رویکرد، آرامش روانی در مجازات‌های تعزیری به ویژه با کودکان، مورد ملاحظه قرار گرفته است، اما تحقق کامل آن، بستگی به بستر اجرای مناسب و زمینه مساعد دارد. به عنوان مثال وقتی طفل به والدینی تسلیم می‌شود که آموزش متناسب و لازم را قبل از تسلیم ندیده‌اند، می‌تواند عدم آگاهی آن‌ها موجب تحقیر و سرزنش کودک شود که رفتار آن‌ها در نهایت، نتیجه‌ای عکس داده و موجب نقض غرض قانونگذار خواهد شد (کد ۱۴۲). همچنین در این رویکرد، هرچند نقش قانون اصلاح و تربیت مثبت تلقی می‌شود، اما این نقش در مرحله کنترل و مهار قابل ارزیابی است. در پیشگیری و نیز حمایت پس از خروج و بازپروری ضرورت دارد قانونگذار به شیوه‌های تربیتی، آموزشی، مهارت‌های رفتاری و همچنین فنی و حرفه‌ای توجه بیشتری داشته و با الگوگیری و بومی‌سازی، زمینه ورود کودکان و نوجوانان به سیستم قضایی را به حداقل برساند (کد ۱۱۹) (نمودار ۳).

برجسته‌کردن نقش مددکاران اجتماعی در حمایت از کودکان و نوجوانان، حمایت اجتماعی از کودکان و نوجوانان، سیاست جنایی مشارکتی، توجه به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، توجه خاص به نهاد خانواده و در غیاب آن شبه‌خانواده، عبور از نگاه خاص به افراد دارای معلولیت و استثنایی‌پنداشتن آن‌ها و اتخاذ رویکرد اجتماع‌محور در این زمینه‌ها، برجسته‌کردن مصالح عالی‌ه کودکان، بهره‌گیری قضات محاکم از نظرات مشاوران و مددکاران اجتماعی، از جمله مسائل حائز اهمیت است که از امتیازات و نوآوری‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹ ش.) محسوب می‌شوند و این نظر را تقویت می‌کند که سیاست جنایی تقنینی در قانون اخیر، توجه به زدودن فشار روانی و ایجاد زمینه آرامش روانی برای کودکان و نوجوانان دارد (کد ۱۱۲).

از نظر این طیف از صاحب‌نظران که اکثریت اندیشمندان و متخصصین مشارکت‌کننده را تشکیل می‌دهند، لحاظ نقش مؤلفه فشار روانی در سیاست جنایی متخذه نسبت به کودکان و نوجوانان، مغفول‌عنه است. در این رویکرد، «نگهداری اطفال و نوجوانان در قانون اصلاح و تربیت»، نه‌تنها موجب ایجاد آرامش روانی و بازدارندگی از جرم نمی‌گردد، بلکه آن را محرک جرم نیز تلقی می‌کنند (کد ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸).

رویکرد سوم، نظر معتدل و بینابین دو رویکرد فوق در میان این دو طیف، برخی از اندیشمندان و متخصصین مشارکت‌کننده، ضمن ارزیابی نسبتاً خوب از سیاست تقنینی،



نمودار ۳: نسبت بین سه رویکرد لحاظ مؤلفه فشار روانی در سیاست جنایی ج.ا.ایران نسبت به اطفال و نوجوانان بزه‌کار

نتیجه‌گیری

واکنش‌های جزایی نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی که فصل دهم از بخش دوم ق.م.ا، ضمن مواد ۸۸ الی ۹۶ به صراحت آن‌ها را تبیین نموده است، از نظر فقدان یا کفایت جنبه بازدارندگی توأم با آرامش روانی به سه دسته قابل تقسیم می‌باشند:

دسته نخست: واکنش‌های جزایی قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی که واجد جنبه بازدارندگی توأم با آرامش روانی هستند و لحاظ آن‌ها توسط قانونگذار، از امتیازات قابل تحسین عرصه تقنین محسوب می‌شود. این موارد از مهم‌ترین مصادیق دسته نخست می‌باشند: تسلیم اطفال و نوجوانان بزه‌کار به اشخاص حقیقی و حقوقی، تحویل اطفال و نوجوانان به والدین آن‌ها به منظور تربیت، غیر علنی بودن محاکمه اطفال در جریان تحقیقات مقدماتی، تجدید نظر در رأی دادگاه با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، پیش‌بینی تعویق صدور حکم نسبت به اطفال و نوجوانان مرتکب جرائم تعزیری، تعلیق اجرای مجازات نسبت به اطفال و نوجوانان مرتکب جرائم تعزیری، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص و جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

دسته دوم: واکنش‌های جزایی قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی سرکوب‌گرایانه. اعمال این واکنش‌ها، فاقد جنبه بازدارندگی توأم با آرامش روانی است، مانند مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در جرائم مستوجب حد یا قصاص اطفال و نوجوانان بزه‌کار، حکم دادگاه اطفال و نوجوانان در خصوص پرداخت دیه یا هر ضمان مالی مطابق مقررات پرداخت دیه و خسارت.

دسته سوم: واکنش‌های جزایی قانونی نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی که جنبه بازدارندگی توأم با آرامش روانی آن‌ها، بستگی به نوع بزه و موقعیت دارد، مانند اخطار، تذکر و أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم. به نظر می‌رسد حکم به انجام خدمات عمومی رایگان برای اطفال و نوجوانان بزه‌کار نیز جزء همین مقوله باشد.

مطلب مهم دیگر اینکه، با عنایت به غیر قابل پیش‌بینی و کنترل‌ناپذیر بودن عوامل فشار روانی زمینه‌ساز ارتکاب جرم ناقضین قوانین جزائی در موارد عدیده، لازم است برنامه‌ها و فرآیند کنترل فشار روانی در اولویت برنامه‌ریزی‌های کلان پیشگیرانه جامعه قرار گرفته و با نظارت متخصصین مربوطه اجرایی گردد. ضرورت بومی‌سازی عرصه تقنین و اجرا، اقتضا می‌کند که این امر، با محوریت و توجه ویژه به تفاوت‌های فرهنگی در تعیین مکانیزم‌های مقابله‌ای انطباقی، صورت گیرد.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

آخرین مطلب اینکه، علیرغم رویکرد ستودنی قانونگذار به مصلحت‌اندیشی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹ ش.) که پس از فراز و نشیب‌های نزدیک به دو دهه پیش‌نویس این قانون صورت گرفت و سپس آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ این قانون، مصوب ۱۴۰۰، فشار روانی کودکان و نوجوانان بزه‌کار، چنانکه باید و انتظار می‌رفت، مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و بدین‌جهت لازم است تا احکام متناسب با این مسأله، از مبانی اسلامی و دکتترین حقوقی تحصیل گردد تا به عنوان رکن و اساس زیرساخت‌های حقوقی کلیه قوانین و مقررات مربوط به این سرمایه‌های بی‌بدیل، در سیاست جنایی مورد توجه قرار گیرد.

لازم به ذکر است مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نرگس ایزدی می‌باشد که راهنمایی آن بر عهده آقای دکتر مجید قورچی‌بیگی و آقای دکتر غلامحسین الهام و مشاوره رساله به عهده آقای دکتر محمود عباسی بوده است.

مشارکت نویسندگان

نرگس ایزدی: بررسی منابع، تحلیل و تألیف مطالب. محمود عباسی: ارائه ایده و اطلاعات، راهنمایی و نظارت بر فرایند تألیف.

مجید قورچی‌بیگی و غلامحسین الهام: راهنمایی و نظارت بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسنده مسئول، مراتب سپاسگزاری خود را از آقایان دکتر غلامحسین الهام و دکتر مجید قورچی‌بیگی و دکتر محمود عباسی به واسطه فراهم کردن زمینه بررسی میدانی مسأله پژوهش، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای اعلام می‌دارد.

References

1. Nolen-Hoeksema S, Fredrickson BL, Loftus GR, Wagenaar WA. Atkinson and Hilgard's field of psychology. Translated by Saatchi M, Kadivar P, Haghshenas M, Nilipour R, Farahani MT, Goudarzi MA, et al. Tehran: Gap Publishers; 2012. Vol.2 p.126-129. [Persian]
2. Braeden M, Sur E. Management of mental stress in schools. Translated by Sadeghi A, Ebrahimi A. Rasht: Haqznozi Publications; 2007. [Persian]
3. Paifer V. Thorsons principles of stress management. Translated by Jamalfard S, Ansari M. Tehran: Arsbaran Publications; 2012. p.17. [Persian]
4. Niazpour AH. Crime Prevention Laws in Iran. The Judiciarys Law Journal. 2004; 68(48-49): 169-226. [Persian]
5. Hosseini M. Criminal policy in Islam and the Islamic Republic of Iran. Tehran: Samt Publications; 2013. p.140. [Persian]
6. Beigi J. Child abuse in Iranian law. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.44. [Persian]
7. Canter D. Criminal Psychology (Topics in Applied Psychology). London: Routledge; 2008. p.39.
8. Najafi Abrandabadi AH. Criminal Policy "Criminal Sciences". Qom: Salisbil; 2014. Vol.2 p.212. [Persian]
9. Shakri Golpayegani T. Islamic criminal policy. Tehran: Imam Sadiq University (AS); 2015. p.22-23. [Persian]
10. Delma Marti M, May R. The great systems of criminal politics. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publications; 2002. p.179. [Persian]
11. Muller H. Luman systems theory as a theory about modernity. Translated by Farhadpour M. Arganoun. 2001; 17: 1-18. [Persian]
12. Najafi Abrandabadi AH. Lectures on the History of Criminal Law Developments (Criminal Policy). Master's Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University; 2000. p.30. [Persian]
13. Najafi Abrandabadi AH. Discussions in criminal sciences and crime prevention (narratives). Tehran: Shahid Beheshti University; 2013. [Persian]
14. Najafi Abrandabadi AH. Fair prevention of crime. Collection of articles. Tehran: Samt Publications; 2013. [Persian]
15. Keyniya M. Fundamentals of Criminology. Tehran: Tehran University; 2003. p.133. [Persian]
16. Ghasemi Moghadam H. Prevention of crime in Iran. Tehran: Legal Assistant for Judicial Development of Judiciary, Judicial Development Studies Center; 2009. p.163. [Persian]
17. Niazpour A. Habitual delinquency: From etiology to prevention. Tehran: Fekrsazan Publications; 2008. p.128-170. [Persian]
18. Mohammad Nasl GH-R. The Bases of crime prevention. Tehran: Mizan Publications; 2013. p.152. [Persian]
19. Gassen R. Applied criminology. Translated by Kaynia M. Tehran: Allameh Tabatabai Publishing House; 1991. p.126-133. [Persian]
20. Najafi Abrandabadi AH. Lectures on criminology (prevention). Tehran: Tarbiat Modares University; 2000-01. p.750-760. [Persian]
21. Baidawi S, Sheehan R. "Crossover kids": Offending by child protection-involved youth. Trends & issues in crime and criminal justice. 2019; 582: 1-23.
22. Shamlou S. Psychopathology. Tehran: Roshd Publications; 2003. p.129. [Persian]
23. Keynia M. Criminal Psychology. Tehran: Roshd Publications; 1997. Vol.2 p.578-863. [Persian]
24. Clark R. Situational crime prevention. Successful Case studies. Harrow and heston publishers. 2nd ed. New York: Guilderland Publications; 1997. p.5.
25. Mirkhalili M. Situational prevention of delinquency with a look at Islamic criminal policy. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute; 2018. p.35. [Persian]
26. Saffari A. Basics of crime prevention. Legal Research Journal. 2001; 4(33-34): 267-321. [Persian]
27. Najafi Abrandabadi AH. Crime and local police. Legal Research Journal. 1999; 2(25-26): 129-149. [Persian]
28. Ebrahimi SH. Preventive Criminology. Tehran: Mizan Publications; 2013. Vol.1 p.60. [Persian]
29. Zare Mahdavi GH, Afrasiabi A. Analyses of Crime Prevention upon political philosophy of Habs & Rousseau. Journal of Criminal Legal Studies. 2011; 7(14): 189-214. [Persian]
30. Noorbaha R. Field of criminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2013. [Persian]
31. Gholami H. Tumor crime through social development. Public Law Research. 2004; 6(11): 131-158. [Persian]

32. Najafi Tawana A. Criminology, Education and Assessment. Tehran: Teaching and Assessment Publications; 2014. [Persian]
33. Motavallizade Naieni N. Developmental (early) Prevention. Journal of Crime Prevention Studies. 2007; 2(2): 123-142. [Persian]
34. Graham J. The effect of early psychological-social interventions in the prevention of delinquency. Translated by Khajeh Noori Y. Judiciary Legal Journal. 2004; 68(48-49): 329-307. [Persian]
35. Kario R. Early psychological-social intervention in the prevention of criminal behavior. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Journal of Legal Research. 2002; 5(35-36): 267-304. [Persian]
36. Isao A, Peterman F, Peterman S. Anxiety disorders in children and adolescents. Translated by Bratian M. Tehran: Association of Parents and Educators; 2017. [Persian]
37. Dadsetan P. Criminal psychology. Tehran: Samit Publications; 2013. p.168.
38. Laboriot H. L homme et la ville. Paris: Flammarion; 1971. p.215. [French]
39. Rosenhan DL, Seligman MEP. Abnormal Psychology. Translated by Seyyed Mohammadi Y. Tehran: Savalan Publications; 2010. p.14. [Persian]
40. Conoley CW, Connolly JC. Positive psychology and family therapy: Creative techniques and practical tools for guiding change and enhancing growth. Translated by Tabrizi M, Godrati S, Ahmadi S. Tehran: Arsbaran Publications; 2018. p.176. [Persian]
41. Carnegie D. How did I overcome worry and anxiety? Translated by Zargham A. Tehran: Qadiani Publications; 2000. p.44. [Persian]
42. Meikenbaum D. Immunization training against stress. Translated by Mobaini S. Tehran: Roshd Publications; 1997. p.46. [Persian]
43. Lynch N, van den Brink Y, Forde L. Responses to Serious Offending by Children. Abingdon: Routledge; 2022.